



دکتر محمد سعید الطریحی

گفت و گو با دکتر محمد سعید الطریحی رئیس آکادمی کوفه در هلند درباره سرگذشت جنبش اسلامی عراق و نقش حوزه علمیه نجف اشرف خالی از انتقاد نیست. الطریحی در مصاحبه با خبرنگار شاهد یاران از اوضاع نابسامان اجتماعی، بهداشتی و امنیتی عراق پرده برداشته و اظهار می‌دارد که فساد اداری و اقتصادی در نهادهای دولتی عراق بیداد می‌کند. او که خاندان حکیم را عنصری تعیین‌کننده در مقابله با اندیشه‌های کمونیستی، بعثی و الحادی می‌داند و بر نیم قرن تلاش آنان در این راه تکیه می‌کند، بر این باور است که نقش مرجعیت حوزه نجف اشرف در این برهه حساس باید بسیار فراتر از این باشد که امروز دیده می‌شود و می‌گوید...

گفت و گو با دکتر محمد سعید الطریحی

شهید حکیم نماد همه شهیدان عراق است...

تردیدی نیست که برخی محافل جاسوسی بین‌المللی در شهادت آیت‌الله حکیم دست داشتند. قدرت‌های استعمارگر که عراق را اشغال کردند، حضور آیت‌الله حکیم را در عراق مانع تحقق اهدافشان می‌دانستند. بر این اساس او را از سر راهشان برداشتند. زیرا او از جزئیات اوضاع داخلی و روحیه مردم عراق شناخت داشت و راهها و چگونگی حکومت بر عراق را تشخیص می‌داد. او به‌خوبی راه نجات عراق و رساندن این کشتی به ساحل امن را شناخته بود. در حقیقت آیت‌الله حکیم به دست عوامل دولت‌هایی شهید شد که خواهان ثبات و امنیت عراق نیستند. اکنون هم روشن است که قدرت‌های بزرگ مایل نیستند که مردم عراق طعم امنیت و آسایش را بچشند. استعمارگران تحقق اهدافشان در عراق را در گرو به شهادت رساندن آیت‌الله حکیم می‌دانستند.

شهید آیت‌الله حکیم چه امتیاز و تفاوتی با سایر روحانیون مجاهد عراقی داشت؟

آیت‌الله حکیم، میراث و بازمانده مراجعی بود که در حوزه علمیه نجف اشرف پرورش یافته‌اند. او بر بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های پدرش امام سیدمحمسن حکیم نظارت داشت و آنها را پیگیری می‌کرد و خود یکی از مبارزان خستگی‌ناپذیر بود که در نتیجه پایداری و ایستادگی در برابر رژیم فاشیست عراق به اعدام محکوم شد. مزایا و ویژگی‌های شهید حکیم قابل شمارش نیستند. بی‌تردید دست‌های پنهانی که آقای سیدمهدی حکیم را در خارطوم ترور کردند و سیدمحمدباقر حکیم را در نجف به شهادت رساندند، هدفشان آسیب‌رسانی به عراق است. آنها نمی‌خواهند مردم عراق روی پای خود بایستند و مستقل و آزاد زندگی کنند.

کسانی که این شخصیت‌های نمادین را ترور کردند، هدفشان نابودی حوزه علمیه نجف اشرف بود. اکنون متأسفانه این حوزه از نبود علمای بزرگ رنج می‌برد، به شیوه‌ها و برنامه‌های جدید درسی نیاز مبرم دارد. از دیرکرد اصلاح و بازسازی نهادهای حوزه رنج می‌برد. مایه خرسندی است که جمهوری اسلامی ایران گام‌های بلند و استواری در زمینه نوآوری و توسعه حوزه‌های علمیه برداشته، این امر می‌تواند کمبودهای حوزه علمیه نجف اشرف را جبران کند.

من ضروری نمی‌دانم که حوزه علمیه منحصر در مکان خاصی قرار داشته باشد. در طول تاریخ دیده شده که حوزه‌های علمی دینی، در مرحله‌ای در شهر کربلا بوده است. در مرحله دیگری در شهر حله قرار داشته است. علاوه بر این حوزه‌های

نجف اشرف، کار تأسیس و بازسازی نهادهای جامعه مدنی را آغاز کرد و بر ضرورت مشارکت سیاست همگانی در تصمیم‌گیری تأکید نمود.

در سایه حکومت‌های استبدادی عراق، بسیاری از مراجع تقلید و خانواده‌های روحانی سختی و درد و رنج کشیدند، اما، به نظر می‌رسد درد و رنج و سختی خاندان آیت‌الله حکیم از همه بیشتر بوده است. علت آن چیست؟ به‌طور عام خاندان‌های علمی و مذهبی بیش از دیگران، هدف حمله‌های سرکوبگرانه رژیم‌های حاکم قرار داشتند، چراکه آنها در خط مقدم جبهه روبرویی با این رژیم‌ها ایستاده بودند. آنها راهنما و روشنگر راه مردم بودند. شهادت و ایثار تنها به خاندان حکیم محدود نبود. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر (صدر اول) و آیت‌الله سیدمحمد صدر (صدر دوم) و تعداد دیگری از علمای عراق در این راه به شهادت رسیدند.

اکنون امام سیدمحمدباقر حکیم نماد همه شهیدان عراق است. در شرایطی که اشغالگران با قدرت و گستاخی می‌کوشیدند موقعیت خود را در عراق استحکام بخشند، او شجاعانه به عراق بازگشت و از مرگ نهراسید و همواره میان توده مردم حاضر می‌شد و برای آنها سخنرانی می‌کرد

فراموش نکنیم که ده‌ها تن از خطبا و وعاظ و ائمه جمعه و جماعت توسط مأموران رژیم صدام مسموم و به قتل رسیدند. این قشر از مردم به علت نقشی که در روشنگری و گسترش آگاهی عمومی داشتند، همواره مورد اهداف و حمله‌های ناجوانمردانه رژیم قرار می‌گرفتند. آنان افرادی بودند که از ارزش‌ها و آرمان‌های مردم عراق دفاع می‌کردند، رهنمون‌ساز مردم بودند و به همین دلیل رژیم به‌شدت از آنها ترس و وحشت داشت.

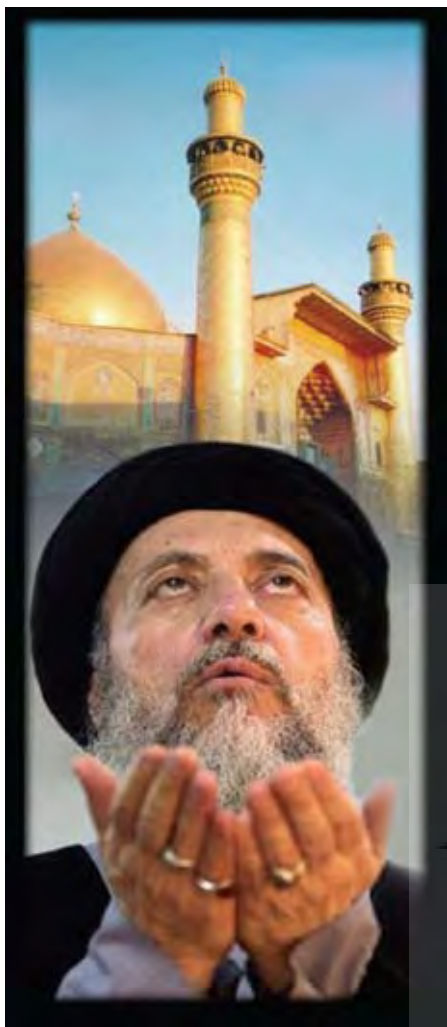
چه جریاناتی در شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم دست داشتند؟

سر دبیر فصلنامه الموسم و رئیس آکادمی کوفه در هلند شما به عنوان رئیس یک مرکز تاریخ‌نگاری و حفظ آثار تاریخی و کارشناس مسائل حوزوی چه دیدی نسبت به خاندان آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم دارید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بی‌تردید خاندان حسینی - نجفی آیت‌الله حکیم شهیدان بسیاری تقدیم راه اسلام کرده است. افراد این خاندان همواره با رژیم صدام مدفون مبارزه خستگی‌ناپذیر و خونین داشته‌اند. این خاندان همچون بسیاری از خاندان‌های مجاهد و اصیل عراقی درد و رنج‌های زیادی متحمل شدند. خاندان آیت‌الله حکیم از نیم قرن پیش در برابر گسترش اندیشه‌های کمونیستی، یعنی، الحادی مقاومت کردند. متأسفانه رژیم حزب بعث انتقام سختی از فرزندان آیت‌الله العظمی سیدمحمسن حکیم گرفت. ده‌ها تن از علمای بزرگ و فرزندان این خاندان قربانی سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم صدام شدند. شهید سیدمهدی حکیم نیز به دست عوامل حزب بعث عراق در خارطوم پایتخت سودان به شهادت رسید. مدتی از سرنگونی رژیم حزب بعث نگذشته بود که آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در یک اقدام تروریستی و دلخراش به شهادت رسید. این حادثه که پس از برگزاری آیین نماز جمعه در صحن مطهر حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) اتفاق افتاد، جهان اسلام را تکان داد.

امام آیت‌الله حکیم در شرایطی به شهادت رسید که عراق بیش از هر وقت دیگر به حضور او نیاز مبرم داشت. او اوضاع و مشکلات عراق را به‌خوبی درک کرده و ابعاد آن را شناخته بود. شهید حکیم در خلال ۲۵ سال تبعید و مبارزه، توانست رهبران و سران جنبش‌های معارض رژیم پیشین عراق را متحد و یکپارچه کند و برای سرنگونی رژیم حزب بعث با محافل و مجامع سیاسی بین‌المللی روابط گسترده برقرار کرد و در لحظه‌های عراق از رژیم صدام او را از دست دادیم و فقدان او را خسارت سنگین و ضربه جبران‌ناپذیر به امت اسلامی می‌دانم.

اکنون امام سیدمحمدباقر حکیم نماد همه شهیدان عراق است. در شرایطی که اشغالگران با قدرت و گستاخی می‌کوشیدند موقعیت خود را در عراق استحکام بخشند، او شجاعانه به عراق بازگشت و از مرگ نهراسید و همواره میان توده مردم حاضر می‌شد و برای آنها سخنرانی می‌کرد. او خرسندی و شادی خود را نسبت به آزادسازی عراق از چنگال حزب بعث پنهان نمی‌کرد. او پس از بازگشت به حوزه علمیه



و نفوذ فزاینده برخوردارند، مراجع برای تحقق وعده‌هایی که دولت به مردم داده باید از نفوذشان استفاده کنند. مردم امروز احساس سرافکنندگی و ناکامی می‌کنند. روحانیون و علمای دین که مردم را به شرکت در انتخابات و مشارکت سیاسی تشویق کردند، وظیفه دارند این دولت را برای تحقق خواسته‌ها و آرزوهای مردم فقیر و محروم توجیه نمایند. اوضاع امنیتی، بهداشتی و اجتماعی بسیار بحرانی است و روحانیون باید سکوت را بشکنند. فساد اداری و اقتصادی در نهادهای دولتی بیداد می‌کند! آیا مجاز است دولت‌های خارجی در امور داخلی عراق دخالت نمایند اما، مراجع مجاز نیستند برای بهبود حال مردم دخالت کنند؟! **به نظر می‌رسد دست جنبش اسلامی عراق نیز بسته است و کاری از آن ساخته نیست؟**

جنبش اسلامی عراق برای برپایی حکومت اسلامی در عراق و آزادی و استقلال این کشور ۵۰ سال مبارزه کرد. اما، متأسفانه هنگامی که زمان چیدن میوه این مبارزه فرا رسید، میوه تلخ به دست آمد. شایسته بود جنبش اسلامی به اصول اصیل اسلام پایبند باشد و رفتار سال ۲۰۰۳ را انجام نمی‌داد. با ورود نیروهای آمریکا به عراق مخالفت می‌کرد. جنبش اسلامی حدود ۳۰ سال صبر کرد و منتظر ماند و زجر و آوارگی کشید و سرانجام با سازش با اشغالگران وارد عراق شد. نگاه کنید مراجع حوزه علمیه قم به اشغالگران هشدار می‌دهند و بر ضد آنان فتوا صادر می‌کنند، اما، چنین برخوردی در مرجعیت دینی نجف اشرف وجود ندارد. چرا باید شیعیان با یکدیگر بجنگند؟ آیا این تأسف‌آور نیست؟ من معتقدم که جنبش اسلامی عراق با شرکت در روند انتخابات سیاسی مرتکب اشتباه شد. ■

علمیه راه پدرش را ادامه داد. او از خلال ارتباط و همکاری با شهید صدر به آگاهی‌های بیشتری در مسائل اصلاح‌گرایانه و نهضتی برای سازندگی جامعه اسلامی در عراق و سایر کشورهای اسلامی دسترسی پیدا کرد. بدین ترتیب راه پدر و راه شهید صدر را ادامه داد.

به هر حال می‌توان شهید حکیم را مرد علم و عمل دانست. او علم و دانش خود را در راه مبارزه با طاغوت و رژیم استبدادی به خدمت گرفت. از درهای گشوده وارد میدان عمل و پیکار بر ضد بی‌عدالتی و سرکوب و فساد شد، و با مبارزه خستگی‌ناپذیر و آگاهی گسترده توانست توده‌های عراقی را بسیج کند و با مهاجرت به جمهوری اسلامی ایران و زندگی در شرایط آزاد به دستاوردهای ارزشمندی نائل آمد. من معتقدم که جنبش اسلامی عراق در شرایط کنونی نباید از خط‌مشی شهید حکیم منحرف شود و به بیراهه حرکت کند. نباید با استعمارگران و اشغالگران سازش کند. برای اصلاح جامعه و اصلاح برنامه‌های درسی حوزه علمیه نجف اشرف نباید از کسی ترس و هراس داشته باشد.

حوزه علمیه نجف اشرف باید از حالت رکود و ایستادگی رهایی یابد. رکود و نبودن پویایی در حوزه علمیه نجف اشرف به علت اوضاع بحرانی کاملاً آشکار است. اما، گمان می‌کنم افراد فداکار و مخلص و یاران و همراهان شهید سیدمحمدباقر حکیم تعدادشان زیاد است و راه او را ادامه خواهند داد.

در سایه اشغال عراق و اوضاع بحرانی، آیا روحانیون و مراجع تقلید حوزه علمیه نجف اشرف هنوز موقعیت مردمی خود را حفظ کرده‌اند؟

مردم عراق، مسلمان و متدین هستند و از دستورها و رهنمودهای روحانیون و مراجع تقلید پیروی می‌کنند. اما، من بر این عقیده‌ام که مراجع تقلید باید تلاش کنند که عشق و پیوند مردم با آنها و ارزش‌های دینی ادامه پیدا کند. زیرا، اوضاع امنیتی عراق در شرایط کنونی بسیار خطرناک است. اوضاع اجتماعی، بهداشتی و خدماتی بسیار دشوار شده است. به‌رغم گذشت پنج سال از سرنگونی صدام هیچ چیز در عراق متحول نشده است. اکنون که احزاب اسلامی در عراق حکومت می‌کنند و برخی مراجع و روحانیون حرف اول را می‌زنند، برای مردم چه کار کرده‌اند؟ بسیاری از نیازهای

حوزه علمیه نجف اشرف باید از حالت رکود و ایستادگی رهایی یابد. رکود و نبودن پویایی در حوزه علمیه نجف اشرف به علت اوضاع بحرانی کاملاً آشکار است. اما، گمان می‌کنم افراد فداکار و مخلص و یاران و همراهان شهید سیدمحمدباقر حکیم تعدادشان زیاد است و راه او را ادامه خواهند داد.

ضروری مردم کمیاب یا اصلاً وجود ندارد، با این وجود ملاحظه می‌کنید که میلیون‌ها مردم با پای پیاده از شهرهای گوناگون به کربلا و نجف می‌روند تا در آیین‌های مذهبی و سوگواری ائمه(ع) شرکت کنند. اگر با دوراندیشی و آگاهی به مسائل نگاه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که توده‌های مردم در استضعاف به سر می‌برند و از همه چیز محروم هستند. مراجع دینی که نقش ارشاد و راهنمایی جامعه را دارند، می‌توانند برای محرومیت‌زدایی، دولت‌مردان را نیز ارشاد و راهنمایی کنند. اظهار تعارفات و فروتنی سودمند نیست. اگر مراجع از این دولت پشتیبانی نمی‌کردند، این دولت هرگز انتخاب نمی‌شد! این دولت که با پشتیبانی مراجع انتخاب شد، تاکنون چه خدمتی به مردم کرده است؟ این مراجع از قدرت

علمی دیگری در اصفهان و خراسان و هند و پاکستان وجود داشته است. جابه‌جایی حوزه‌های علمی نگران‌کننده نیست. آنچه که به حوزه علمیه نجف ارزش و اصالت می‌بخشد، فضای روحانی و زیبایی آن است که پیرامون بارگاه ملکوتی حضرت امیرمؤمنان(ع) قرار دارد، و طلاب علوم دینی مراحل تحصیل و فراگیری علم را با الهام از اقامت و مجاورت در کنار این مرقد مطهر ادامه می‌دادند.

به نظر شما شهید حکیم راه و روش پدرش را ادامه داد یا راه انقلابی شهید صدر را پیمود؟

من بر این باورم که ایشان راه استادش شهید صدر را ادامه داد. آن دو با همکاری یکدیگر جنبش اسلامی عراق را بنیانگذاری کردند. اما، شهید صدر در شرایط بسیار سخت به سر می‌برد. شهید صدر در سایه نظام خشن و سرکوبگر زندگی می‌کرد که اجازه هیچ‌گونه فعالیت سیاسی مردمی و تأسیس سازمان‌های سیاسی را نمی‌داد. شهید صدر و شهید حکیم به‌رغم همه فشارها و مشکلات راهشان را ادامه دادند.

شهید سیدمحمدباقر حکیم پس از مهاجرت به جمهوری اسلامی ایران، امکانات فراوان یافت تا یک جنبش وسیع انقلابی و مردمی به وجود بیاورد، و از طریق آن توده‌های تبعیدشده عراقی را بسیج کند و از طرف دیگر سایر گروه‌ها و سازمان‌های عراقی را متحد و یکپارچه کند و آنها را به سوی مبارزه با رژیم دیکتاتوری حزب بعث رهنمون سازد. بر این اساس سپاه بدر، شاخه نظامی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را تأسیس کرد.

امام سیدمحمدباقر حکیم به‌رغم انبوه فعالیت‌های سیاسی و جهادی، حرکت علمی و پژوهشی خود را نیز ادامه داد، در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها و حوزه علمیه قم تدریس کرد و نسل جدیدی از روحانیون و علمای دینی به دست او پرورش یافت.

ویژگی سوم شهید سیدمحمدباقر حکیم این است که هر چند مدت یکبار به کشورهای گوناگونی سفر می‌کرد و مهاجران و تبعیدیان عراقی را مورد عنایت و تفقد قرار می‌داد و به مشکلات آنها رسیدگی می‌کرد. همه این تلاش، دستاوردهای مهمی برای مردم عراق در پی داشت و به تحکیم جایگاه و موقعیت او میان اقشار گوناگون عراقی افزود.

من معتقدم که همه این تلاش‌ها و برنامه‌ها و ظهور آیت‌الله حکیم به عنوان یک شخصیت ویژه، مردمی و اسلامی در صحنه سیاسی عراق، دشمنان شرور را خشمگین کرد، تا برای چپاول و غارت منابع طبیعی عراق، او را از سر راهشان بردارند.

باعث خرسندی است که عراق کشوری پویا و بارور است، با وجود اینکه تعداد زیادی از مردم عراق در طول تاریخ در راه حق و اسلام شهید شده‌اند، از دست دادن شخصیت‌های بزرگ تأثیری در روند حرکت و پیشگامی اسلام در عراق نخواهد داشت. خون‌های پاک که در راه خدا بر زمین ریخته شده و می‌شود، درخت تنومند اسلام را در سرزمین عراق سیراب می‌کند. شهادت این عزیزان به پیشبرد حرکت اسلام کمک خواهد کرد و سرانجام پیروزی نهایی از آن مردم عراق خواهد بود.

نگاه آیت‌الله حکیم به حوزه علمیه نجف اشرف چگونه بود؟ آیا معتقد بود که حوزه علمیه سنتی بماند، یا اینکه درصدد بود آن را مانند حوزه‌های علمیه ایران نهادینه کند و مفاهیم و علوم معاصر را نیز وارد حوزه کند؟

فراموش نکنید که سیدمحمدباقر حکیم دستیار پدرش آیت‌الله العظمی سیدمحسن حکیم بود. سیدمحسن حکیم یک مرجع تقلید معمولی نبود، چه او در ردیف مراجع بزرگ همچون آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله بروجردی بود. ایشان که خداوند همه‌شان را رحمت کند، از مراجع عالی‌قدر و ممتاز قرن بیستم بوده‌اند. آیت‌الله سیدمحسن حکیم به اصلاح جامعه و اصلاح حوزه علمیه نجف اشرف علاقه‌مند بود. محروم سیدمحمدباقر حکیم نیز برای اصلاح جامعه و اصلاح حوزه